

تواضع الإبن تحت الآلام

¹لِذَلِكَ يَجِبُ أَنْ تَتَّبِعَهُ أَكْثَرَ إِلَى مَا سَمِعْنَا لَيْلًا نَفْوْتَهُ. ²لأنه إن كانت الكلمة التي تكلم بها ملائكة قد صارت ثابتة وكل تعدد ومغصية تال مجازاة عادلة، فكيف تنجو نحن إن أهملنا خلاصاً هَذَا مَقْدَارُهُ، قَدْ ابْتَدَأَ الرَّبُّ بِالتَّكَلُّمِ بِهِ ثُمَّ تَبَتَّ لَنَا مِنَ الَّذِينَ سَمِعُوا؟ ⁴شَهِدَا اللهُ مَعَهُمْ بِآيَاتٍ وَعَجَائِبٍ وَقُوَّاتٍ مُتَوَعَّعةٍ وَمَوَاهِبِ الرُّوحِ الْقُدُسِ حَسَبَ إِرَادَتِهِ.

⁵فإنه لملائكة لم يُخْصِصَ الْعَالَمُ الْعَنِيدَ الَّذِي تَتَكَلَّمُ عَنْهُ، ⁶لَكِنْ شَهِدَ وَاحِدٌ فِي مَوْضِعٍ قَائِلًا: "مَا هُوَ الْإِنْسَانُ حَتَّى تَذْكُرُهُ أَوْ ابْنُ الْإِنْسَانِ حَتَّى تَفْتَقِدَهُ؟" ⁷وَصَعْنَتْهُ قَلِيلًا عَنِ الْمَلَائِكَةِ، بِمَجْدٍ وَكَرَامَةٍ كَلَّتُهُ وَأَقَمْتُهُ عَلَى أَعْمَالٍ يَذْكُرُكَ، ⁸أَخْصَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَحْتَ قَدَمَيْهِ. "لأنه إِذْ أَخْصَعَ الْكُلَّ لَهُ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئًا غَيْرَ خَاضِعٍ لَهُ، عَلَى أَنَّا الْآنَ لَسْنَا نَرَى الْكُلَّ بَعْدَ مُخْصَعَا لَهُ. ⁹وَلَكِنَّ الَّذِي وُضِعَ قَلِيلًا عَنِ الْمَلَائِكَةِ، يَسُوعُ، تَرَاهُ مُكَلَّلًا بِالْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ مِنْ أَجْلِ أَلَمِ الْمَوْتِ، لِكَيْ يَذُوقَ بِنِعْمَةِ اللهِ الْمَوْتَ لِأَجْلِ كُلِّ وَاحِدٍ. ¹⁰لأنه لَاقَ بِذَلِكَ، الَّذِي مِنْ أَجْلِهِ الْكُلُّ وَبِهِ الْكُلُّ، وَهُوَ آتٍ بِأَنْبَاءٍ كَثِيرِينَ إِلَى الْمَجْدِ، أَنْ يُكَمِّلَ رَئِيسَ خَلَاصِهِمْ بِالْآلَامِ. ¹¹لأنَّ الْمُقَدَّسَ وَالْمُقَدَّسِينَ جَمِيعَهُمْ مِنْ وَاحِدٍ، فَلِهَذَا السَّبَبِ لَا يَسْتَحِجُّ أَنْ يَدْعُوهُمْ إِخْوَةً. ¹²قَائِلًا: "أَحَبُّ بِاسْمِكَ إِخْوَتِي وَفِي وَسَطِ الْكِيْسَةِ أَسْبَحُكَ." ¹³وَأَيْضًا: "أَنَا أَكُونُ مُتَوَكِّلًا عَلَيْهِ"، وَأَيْضًا: "هَآ أَنَا وَالْأَوْلَادُ الَّذِينَ أَعْطَانِيهِمُ اللهُ". ¹⁴قَائِدًا قَدْ تَشَارَكَ الْأَوْلَادُ فِي اللَّحْمِ وَالْدَّمِ اسْتَرَكَّ هُوَ أَيْضًا كَذَلِكَ فِيهِمَا، لِكَيْ يُبَيِّدَ بِالْمَوْتِ ذَاكَ الَّذِي لَهُ سُلْطَانُ الْمَوْتِ، أَيُّ إِبْلِيسَ، وَيُعْتِقَ أَوْلِيكَ الَّذِينَ، خَوْفًا مِنَ الْمَوْتِ، كَانُوا جَمِيعًا كُلَّ حَيَاتِهِمْ تَحْتَ الْعُبُودِيَّةِ. ¹⁶لأنه حَقًّا، لَيْسَ يُمَسِّكُ الْمَلَائِكَةَ بَلْ يُمَسِّكُ تَسَلُّ إِبْرَاهِيمَ. ¹⁷مِنْ ثَمَّ كَانَ يَسْتَعِي أَنْ يُشْبِهَ إِخْوَتَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ لِكَيْ يَكُونَ رَجِيمًا وَرَئِيسَ كَهَنَةٍ أَمِينًا فِي مَا لِلهِ، حَتَّى يُكَفِّرَ خَطَايَا السَّعْبِ. ¹⁸لأنه فِي مَا هُوَ قَدْ تَأَلَّمَ مُجَرَّبًا، يَقْدِرُ أَنْ يُعِينَ الْمُجَرَّبِينَ.

¹لهذا لازم است که به دقت بلیغتر آنچه را شنیدیم گوش دهیم، مبدا که از آن ربوده شویم. ²زیرا هر گاه کلامی که بوساطت فرشتگان گفته شد برقرار گردید، بقسمی که هر تجاوز و تغافلی را جزای عادل می‌رسید؛ ³پس ما چگونه رستگار گردیم، اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ ⁴در حالتی که خدا نیز با ایشان شهادت می‌داد به آیات و معجزات و انواع قوآت و عطایای روح القدس برحسب اراده خود.

نجات عظیم

⁵زیرا عالم آینده‌ای را که ذکر آن را می‌کنیم مطیع فرشتگان نساخت. ⁶لکن کسی در موضعی شهادت داده، گفت: چیست انسان که او را بخاطر آوری یا پسر انسان که از او تفقد نمایی؟ او را از فرشتگان اندکی پست‌تر قرار دادی و تاج جلال و اکرام را بر سر او نهادی و او را بر اعمال دستهای خود گماشتی. ⁸همه چیز را زیر پایهای او نهادی. پس چون همه چیز را مطیع او گردانید، هیچ چیز را نگذاشت که مطیع او نباشد. لکن الآن هنوز نمی‌بینیم که همه چیز مطیع وی شده باشد. ⁹اما او را که اندکی از فرشتگان کمتر شد می‌بینیم، یعنی عیسی، را که به زحمت موت، تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد تا به فیض خدا برای همه ذائقه موت را بچشد. ¹⁰زیرا او را که بخاطر وی همه و از وی همه چیز می‌باشد، چون فرزندان بسیار را وارد جلال می‌گرداند، شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند. ¹¹زائرو که چون مقدس‌کننده و مقدسان همه از یک می‌باشند، از این جهت عار ندارد که ایشان را برادر بخواند. ¹²چنانکه می‌گوید: اسم تو را به برادران خود اعلام می‌کنم و در میان کلیسا تو را تسبیح خواهم خواند. ¹³و ایضا: من بر وی توکل خواهم نمود. و نیز: اینک، من و فرزندی که خدا به من عطا فرمود. ¹⁴پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا بوساطت موت، صاحب قدرت موت، یعنی ابلیس، را تباہ سازد؛ ¹⁵و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود گرفتار بندگی می‌بودند، آزاد گرداند. ¹⁶زیرا که در حقیقت

فرشتگان را دستگیری نمی‌نماید، بلکه نسل ابراهیم را دستگیری می‌نماید.¹⁷ از این جهت می‌بایست در هر امری مشابه برادران خود شود تا در امور خدا رئیس گهّنه‌ای کریم و امین شده، کفّارهٔ گناهان قوم را بکند.¹⁸ زیرا که چون خود عذاب کشیده، تجربه دید استطاعت دارد که تجربه‌شدگان را اعانت فرماید.